

مرد اعدامی با تلاش‌های قهرمان کشتی‌کشورمان از قصاص رها شد

# نجات با پادرمیانی پهلوان

سیزدهم فروردین سال ۹۴ وقتی اهالی محله‌ای در شمال شرق تهران از روز طبیعت به خانه‌های خود بازگشتند، متوجه سرو صدا در خانه یکی از اهالی شدند.

مجید غمخوار

تپش

چند همسایه به نزدیکی خانه موردنظر رفته و مرد جوانی را با چاقوی خونین در تراس طبقه دوم دیدند. از داخل خانه صدای درخواست کمک می‌آمد اما مرد صاحبخانه اجازه نمی‌داد کسی وارد خانه‌اش شود.

اهالی محل، موضوع را به پلیس گزارش دادند. با حضور اولین گشت کلانتری مقابل خانه مرد جوان، او خود را تسلیم کرد. ماموران با ورود به خانه، با سه جوان مجروح روبه‌رو شدند و آنها را به بیمارستان منتقل کردند اما یکی از آنها به دلیل شدت جراحات جان خود از دست داد.

مرد جوان که در برابر اتهام قتل قرار گرفته بود در جریان تحقیقات با اعتراف به این جنایت گفت: مستاجر آن روز دوستانش را دعوت کرده و مهمانی مجردی گرفته بود. به او تذکر دادم من دو دختر کوچک دارم و کمتر سرو صدا کنند اما هرچه می‌گذشت صدای آنها بیشتر می‌شد. بار دوم با عصبانیت تذکر دادم که بازهم فایده نداشت. این بار با چاقو به در خانه‌اش رفتم که سه نفری به سمت حملہ کردند. من هم در دفاع از خود و با توجه به این‌که عصبانی بودم، آنها را با چاقو مجروح کردم. من نمی‌خواستم کسی را بکشم و فقط قصد داشتم بترسانم‌شان. با چاقو چند ضربه به سمت آنها پرتاب کردم. بعد هم برای



صحبت اهالی و تلاش‌های مصطفی حسین خانی، قهرمان تیم ملی کشتی آزاد کشورمان حاضر شدند مهلت یک‌ماهه به قاتل بدهند و در ازای دریافت دو میلیارد تومان از قصاص قاتل فرزندشان گذشت کنند. در این مهلت یک‌ماهه ملی پوش تیم ملی کشتی کشورمان با تلاش فراوان توانست این مبلغ را تهیه کند و او را به آغوش گرم خانواده‌اش برگرداند.

این‌که ادب شوند، در را رویشان بستم و اجازه ندادم کسی به خانه نزدیک شود. فکر کردم یک زخم کوچک است اما مرد جوان جانش را از دست داد. با محاکمه متهم به قتل، او به اتهام قتل پسر جوان به قصاص محکوم شد و در یک قدمی اجرای حکم قرار گرفت. خانواده مقتول خواستار اجرای حکم قصاص بودند اما با

## مصطفی حسین خانی در گفت‌وگو با تپش:

## در اوج عصبانیت تصمیم نگیریم

خودم صحبت می‌کردم تا از درخواست‌شان با خبر شوم. از قاضی اجرای احکام خواستم جلسه‌ای با اولیای دم برگزار کند که قبول کرد و این جلسه برای صلح و سازش برگزار شد. اولیای دم در این جلسه برای رضایت دو میلیارد تومان درخواست کردند.

برای جور کردن این پول چقدر وقت داشتید؟

خانواده مقتول یک ماه مهلت دادند تا این پول را جور کنیم وگرنه حکم قصاص قاتل اجرا می‌شد.

قدم اول برای جمع‌آوری این پول چه بود؟

بخش اندکی از مبلغ درخواستی جور شده بود اما هنوز فاصله زیادی تا جمع‌آوری دو میلیارد داشتیم و کار ما سخت بود. ابتدا با استوری کردن موضوع مقداری از پول جمع‌آوری شد.

بعد از آن کار من تازه شروع شد و بارایی‌زی و برگزاری جلسه با افراد مختلف برای تهیه پول اقدام کردم. جمع‌آوری مبلغ دو میلیارد خیلی سخت بود، به خیلی‌ها رو زدم، حضوری رفتم تا بتوانم این مبلغ را تهیه کنم. خدا رو شکر که لطف مردم و افراد خیر و دوستان شامل حالم شد و با هر سختی بود توانستیم دو میلیارد را جمع کنیم و بعد از پنج سال مرد جوان از قصاص نجات دهیم.

وقتی تلاش‌هایتان را آغاز کردید، فکر می‌کردید دو میلیارد

تومان جمع شود؟

خوب می‌دانم که مردم دچار مشکلات مالی و سختی

سخت مشغول تمرین است تا در المپیک بدرخشد و بتواند برای کشورش افتخار آفرینی کند. تمام تمرکزش روی کشتی است و تمایلی برای گفت‌وگو و بازخوانی کار خیری که انجام داده‌است ندارد. به سختی راضی به مصاحبه می‌شود. می‌گوید: مصاحبه می‌کنم شاید باعث ترویج فرهنگ گذشت و انجام کار خیر از سوی مردم شود. فقط برای رضای خدا تلاش کردم این جوان را از پای چوبه دار نجات دهم و دوست ندارم خودم در مرکز توجه باشم و دوست داشتم به اصل ماجرا که گذشت و بخشش است، توجه شود.

چطور متوجه پرونده مرد اعدامی شدید؟

خودم اهل محله شمیران نو هستم و هر اتفاقی در محله رخ بدهد، من در جریان قرار می‌گیرم. چند سال قبل در جریان قتل قرار گرفتم، چند نفر از اهالی محله شمیران‌نو با من تماس گرفتند و گفتند: زمان اجرای حکم قصاص قاتل نزدیک است و از من درخواست کردند برای نجاتش اگر کاری از دستم برمی‌آید انجام دهم.

شما هم برای رضایت پیشقدم شدید؟

ابتدا درخواست بچه‌های محل این بود که موضوع را استوری کنم و درخواست کنیم تا مردم کمک کنند ولی پنج سال بود که این پرونده معطل مانده بود. اول باید پرونده تعیین تکلیف می‌شد. در ابتدا درباره درخواست اولیای دم برای رضایت خبرهای متفاوتی شنیده می‌شد. یکی می‌گفت «۱۰ میلیارد تومان خواسته‌اند و یکی دیگر از درخواست یک خانه برای رضایت می‌گفت. باید با اولیای دم

هستند. من سراغ خیلی‌ها رفتم که بعد از شنیدن حرف‌هایم پا پس کشیدن و کمکی نکردند اما بازهم خدا رو شکر شرمندۀ نشدم و با کمک خیران توانستیم مرد جوان را به آغوش خانواده‌اش برگردانیم.

بازهم از برای نجات قاتلان تلاش خواهید کرد؟

واقعاً این کار خیلی سخت است و انرژی زیادی از آدم می‌گیرد. فعلاً تمام تمرکز من روی المپیک است و درگیر تمرین و مسابقه هستم که از مردم می‌خواهم برایم دعا کنند. بعد از المپیک خوشحال می‌شوم بتوانم کار خیر انجام دهم و لیاقت داشته باشم باری از روی دوش مردم کشورم بردارم.

بعد از نجات یک پدر از قصاص چه حسی دارید؟

بازهم باید تاکید کنم که من اهل مصاحبه نیستم و نمی‌خواستم این کار خیر را در بوق و کرنا کنم، این اولین مصاحبه من در مورد نجات مرد اعدامی هست و هیچ مصاحبه‌ای خودم در مورد این اتفاق انجام ندادم. فقط بگویم خیلی خوشحالم که یک پدر به زندگی بازگشت و دو دختر می‌توانند طعم آغوش پدر را بچشند. امیدوارم این زندانی هم قدر آزادی را بداند و از این به بعد زندگی آرامی را به دور از دعا و درگیری پیش بگیرد.

حرف پایانی...

اول از همه از مردم عزیز و مهربان کشورم می‌خواهم مثل همیشه ما را از دعای خیرشان بی‌نصیب نگذارند. بعد هم به عنوان یک برادر کوچک‌تر از آنها درخواست دارم سعی کنند کنترل بیشتری روی خشم خود داشته باشند و در حالت عصبانیت تصمیم نگیرند و واکنش نشان ندهند. یک لحظه عصبانیت می‌تواند عواقب بدی همراه داشته باشد.

